

یک گام به پیش

تالیف و تدوین : عاطفه حجازی

سرشناسه	حجازى، عاطفه، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	یک گام به پیش / تالیف و تدوین عاطفه حجازی.
مشخصات نشر	تهران: مهر گل، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	۸۸ ص.
شابک	۹۷۸۹۶۴۹۴۹۶۵۷۲ : ۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه : ص. ۸۶-۸۷.
موضوع	مدیریت.
موضوع	مدیران — اخلاق حرفه ای.
رده بندی کنگره	۱۳۸۷ ح ۲ ف / HD۲۷
رده بندی دیویی	۶۵۸:
شماره کتابشناسی ملی	۱۲.۵۴۴۸:

گرافیسٹ: محبوبه واعظ تهرانی
شمارگان: ۱۵۰۰ جلد
چاپ: راستین
صحافی: نوین
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷
نشانی: تهران- تقاطع ولی عصر و میرداماد- برج تجاری اسکان- واحد ۱۴ اداری
تلفن: ۸۸۷۸۲۹۹۹

صفحه	فهرست
۱۰	یک گام به پیش
۱۱	آماده ، شلیک ، نشانه گیری
۱۲	فرآیند تربیت دلفین و ایجاد انگیزه
۱۳	زخم های هوندا
۱۴	تجدید قوای عاطفی و فکری
۱۵	ذهنیت باغ وحش
۱۶	دانشگاه و هدر دادن وقت
۱۸	استخدام بهترین ها
۲۰	عدم رضایت شغلی و نتایج آن در جامعه
۲۱	مشتری ناخشنود ، فرصتی برای یادگیری
۲۲	ساعت حدودهای ۲ چه خبر بود
۲۴	اعتماد ، تفویض اختیار و بقیه قضایا (!)
۲۶	توانایی شکست خوردن (!)
۲۸	چقدر در کارکنان نفوذ دارید؟
۲۹	تامین کیفیت ، مقوله ای فرهنگی
۳۰	نقش شما ، نقش پدر
۳۲	راه را برای جوان ترها باز کنید
۳۴	دکتر چکار کردید؟
۳۵	دانه سعی
۳۶	پچ پچ ، تلفن همراه ، در ساعت مقرر

صفحه	فهرست
۳۸	اسپارتاکوس و آرمان مشترک
۴۰	محاكمه فرزند يك وكيل
۴۱	انتقاد ويرانگر ، نه
۴۲	اشكال نداره پسر من ، همه اين كار را مي كنند
۴۴	اعتماد سازي
۴۶	توليد ارزان و با كيفيت
۴۸	حرف و عمل
۴۹	يادداشت هاي يك صفحه اي يوشيدا
۵۰	سنگ هاي بزرگ
۵۲	ماتسوشيتا در آرايشگاه يونه كورا
۵۴	بلانچارد متعجب
۵۶	مشتري مداري
۵۷	مشاركت كاركنان در توسعه عملکرد سازمان
۵۸	سازمان هاي غير رسمي
۵۹	انسان در جستجوي معنا
۶۰	يك فيل را چگونه مي توان خورد؟
۶۲	فلسفه برايانت
۶۳	اهميت هشتاد درصدي
۶۴	درهاي باز ، گوش هاي بسته
۶۵	مدبران چمن زن

صفحه	فهرست
۶۶	ناکامی سیستم های مدیریتی در بعضی شرکت ها
۶۷	آب دل آلود
۶۸	پول تنها راه تشویق نیست
۷۰	روزهای پایانی ماه
۷۱	اندازه گیری
۷۲	شرکت در بحث های گروهی
۷۲	مهارت مدیریت
۷۴	ایزاری قدرتمند برای حرکت
۷۶	وقتی استاد یوم فرو ریخت ، جابر کجا بود؟
۷۸	کشف فضای روح
۷۹	این همه دلبستگی !!
۸۰	تعلق خاطر به کار
۸۲	بستنی وانیلی
۸۵	منابع و مآخذ

یک گام به پیش

از شیخ ابوسعید ابی الخیر، عارف خراسانی در توس، درخواست کردند تا برای هدایت مردم، موعظه کند. او قبول کرد. عده زیادی از مردم به خانقاه آمدند تا به سخنان ابوسعید گوش دهند، به طوری که جای خالی وجود نداشت.

وقتی شیخ خواست سخن بگوید، یک نفر از میان حاضران با صدای بلند گفت: خدایا مرزد کسی را که از آنجایی که هست یک قدم فراتر بنهد. شیخ گفت هر چه ما می خواستیم بگوییم این شخص گفت. و پس از گفتن این جمله، وعظ آن روز را به پایان رساند و به همین اندازه اکتفا کرد.